

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روز: سه شنبه و چهارشنبه

مصادف با: ۱۵ و ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۳۵

ادامه امر چهارم

بیان شد یکی دیگر از مطالبی که در راستای بررسی مبحث هفتم و تبیین مدلول اوامر مستعمله در لسان شارع باید مورد تحقیق قرار گیرد، بحث از اجزاء می باشد که ذیل چند امر پی گیری می گردد؛ پیشینه تاریخی بحث، تحریر محل نزاع، تفاوت مسأله اجزاء با مره و تکرار و بحث از اجزاء و عدم اجزاء به صورت مفصل ذکر گردیدند. همچنین بیان گردید، قبل از ورود به امر پنجم، بیان دو تکمله لازم می باشد. تکمله اول در مورد نظریه مرحوم آخوند بود که فرمودند اگر مأمور به ظاهری انجام گرفته‌ای که مخالفت آن با واقع کشف شده است، مؤدای اماره‌ای از امارات باشد، مجزی از مأمور به واقعی نیست، اما اگر اصلی از اصول عملیه باشد، مجزی از واقع خواهد بود. در ادامه به نقد و بررسی این نظریه خواهیم پرداخت.

نقد نظریه محقق خراسانی «رحمة الله علیه»

فرمایش ایشان را بسیاری از بزرگان علم اصول، مورد نقد و بررسی قرار داده اند. محقق نائینی و به تبع ایشان محقق خویی «رحمة الله علیهما» از چند جهت به نقد بیان ایشان پرداخته‌اند:

بیان جهت اول

فرمایش محقق خراسانی «رحمة الله علیه» در توجیه حاکم بودن دلیل اصل عملی مانند اصل طهارت، نسبت به ادله‌ای که دلالت بر اعتبار اجزاء و شرائط در مأمور به واقعی دارند، با مبنای خود ایشان در تفسیر حکومت یک دلیل، نسبت به دلیل دیگر، ناسازگار است. توضیح مطلب آن است که ایشان در ما نحن فیه، وجه حکومت دلیل اصل عملی را، ایجاد توسعه در موضوع ادله‌ای که اجزاء و شرائط مأمور به واقعی را معرفی می‌کنند، دانسته و فرموده اند: دلیل «کل شیء لک ظاهر حتی تعلم أنه قذر» در موضوع «لا صلاة إلا بطهور» تصرف نموده و موضوع آن را اعم از طهارت واقعی در حالت علم و طهارت ظاهریه در حالت جهل، قرار می‌دهد؛ در حالی که از دیگر فرمایشات ایشان استفاده می‌شود، حکومت یک دلیل نسبت به دلیل دیگر، به معنای ایجاد توسعه یا تضییق در موضوع دلیل محکوم نیست، بلکه به معنای آن است که دلیل حاکم، با مدلول لفظی خود، ناظر به مدلول دلیل محکوم و مفسر آن می باشد، مانند اینکه مولا بگوید: «اکرم العلماء» و سپس بگوید: «الطیب عالم» که این مانند آن است که مولا بعد از جمله «اکرم العلماء» بگوید: «أی أکرم الطیب العالم». با این تفسیر از حکومت - که محقق خراسانی «رحمة الله علیه» در اواخر مبحث استصحاب و اوائل مبحث تعادل و ترجیح به آن تصریح می نمایند - ادعای حکومت دلیل اصل عملی نسبت به ادله اعتبار اجزاء و شرائط در مأمور به واقعی، ادعایی نادرست است؛ زیرا دلیل اصالة الطهارة یا استصحاب طهارت ناظر به دلیل «لا صلاة إلا بطهور» نبوده و در صدد تفسیر آن نمی باشد، بلکه نهایتاً در موضوع آن توسعه ایجاد می نماید^۱.

۱- ایشان در أجود التقریرات، جلد ۱، صفحه ۱۹۸ می‌فرمایند: «ان الحكومة عند هذا القائل لا بد و ان تكون بمثل كلمة أعني و اردت و أشباه ذلك و لأجله لم يلتزم بحكومة أدلة نفی الضرر على أدلة الأحكام الواقعية و لا بحكومة الأدلة الاجتهادية على الأصول العملية و من الواضح عدم تحقق الحكومة بهذا المعنى في المقام».

نقد شهید صدر «رحمة الله عليه»

مرحوم شهید صدر در مقام دفاع از محقق خراسانی «رحمة الله عليه» و ردّ ایراد فوق می‌فرمایند: «ممکن است مراد ایشان از حکومت دلیل اصلی عملی بر ادله اشتراط، ورود دلیل اصلی عملی بر این ادله باشد، به این معنا که دلیل اصلی عملی، بیانگر و مثبت موضوع جدیدی برای شرطیت، تحت عنوان «طهارت ظاهریه واقعاً» می‌باشد، یعنی دلیل اصالة الطهارة، طهارت ظاهریه را در ظرف جهل به واقع، به عنوان شرط حقیقی برای عملی مانند صلاة معرفی می‌کند، لذا در موضوع دلیلی که دلالت بر اعتبار طهارت دارد، وجداناً و حقیقتاً توسعه ایجاد می‌نماید، و زمانی که موضوع دلیلی توسط دلیل دیگر، بالوجدان و حقیقتاً رفع شده و یا در آن توسعه و تضييق ایجاد شده باشد، دلیل رافع یا موسّع و یا مضیق، وارد بر دلیل دیگر می‌باشد، نه حاکم بر آن».

بیان استاد معظم

توجیه مذکور، اگر چه می‌تواند به گونه ای، دفاع از محقق خراسانی «رحمة الله عليه» به حساب آمده و نقد وارد بر کلام ایشان را برطرف سازد، ولی با صریح کلام ایشان که می‌فرمایند: «فإن دلیله یکون حاکماً علی دلیل الإشرط» سازگاری ندارد، زیرا خود ایشان، مکرراً حکومت را در قبال ورود استعمال می‌نمایند، لذا نمی‌توان گفت که ایشان از تعبیر حکومت در ما نحن فیه، اراده ورود نموده اند.

نقد محقق اصفهانی «رحمة الله عليه»

محقق اصفهانی «رحمة الله عليه» نیز در مقام دفاع از محقق خراسانی «رحمة الله عليه» و ردّ ایراد وارد شده از جانب محقق نائینی و محقق خویی «رحمة الله علیهما» می‌فرمایند: «نظریه محقق خراسانی «رحمة الله عليه» در تفسیر حکومت، با نظریه شیخ اعظم انصاری «رحمة الله عليه» متفاوت است. اینکه دلیلی ناظر و مفسّر مدلول دلیل دیگر باشد به صورتی که دلیل حاکم، بمنزله «أعنی و أی» نسبت به مدلول دلیل محکوم باشد، نظر مرحوم شیخ اعظم است، اما تفسیر حکومت در نظر ایشان آن است که: دلیلی بتواند موضوع دلیل دیگر را در خصوص موردی، تعبداً اثبات یا نفی نماید و فرق آن با دلیل وارد آن است که: دلیل وارد موضوع دلیل مورد را، در خصوص یک مورد، بالوجدان و حقیقتاً اثبات یا نفی می‌نماید. لذا اگر مراد محقق خراسانی «رحمة الله عليه» از حکومت، همین معنا باشد، ادعای ایشان در ما نحن فیه مبنی بر حاکمیت دلیل اصلی عملی بر ادله اشتراط، کاملاً منطبق می‌گردد؛ زیرا دلیل اصالة الطهارة، موضوع ادله اعتبار طهارت یعنی «طهارت» را در موردی که نسبت به طهارت واقعیّه شک داریم، تعبداً اثبات می‌نماید.

محقق اصفهانی «رحمة الله عليه» در پاسخ به این ایراد که «فرمایش محقق خراسانی «رحمة الله عليه» در باب استصحاب و تعادل و تراجیح درباره معنای حکومت، صراحت در تفسیر اول داشته و با تفسیر ما نحن فیه سازگاری ندارد» می‌فرمایند: «از آنجا که محقق خراسانی «رحمة الله عليه» در این دو مورد، در مقام پاسخ به شیخ اعظم «رحمة الله عليه» بوده است، حکومت را بر طبق مبنای مرحوم شیخ تفسیر کرده و جواب داده‌اند».

۱- ایشان در بحوث فی علم الأصول، جلد ۲، صفحه ۱۵۸ می‌فرمایند: «و الجواب: من الجائز ان یکون نظر صاحب الکفاية إلى الورد لا الحکومة و التّنزیل، فکأنه یرید أن یقول انه یتحقق موضوع جدید للطهارة أو الحل بأصالة الطهارة و الحل، و لیکن تفسیره للحکومة بذلك بنفسه قرينة علی ان مراده هنا الورد لا الحکومة نظیر ما یقوله فی ورود الأمارات علی الأصول».

۲- ایشان در تعلیقه نهایة الدراية، جلد ۱، صفحه ۳۹۳ می‌فرمایند: «و الجواب: أن الحکومة لیست عنده (قدس سره) بهذا المعنی، و إنما أورد علی الشیخ الأعظم (قدس سره) الملتزم بنظر أحد الدلیلین إلى الآخر: أن النظر- فی مقام الإثبات- لا یکون إلا بمثل (أعنی) و أشباهه، بل یکفی فی حکومت أحد الدلیلین علی الآخر- عنده- مجرد إثبات الموضوع أو نفيه تنزیلاً، كما هو ظاهر کلامه هنا».

بیان استاد معظم

حمل فرمایش محقق خراسانی «رحمة الله علیه» در دو مورد فوق، با توجیه مذکور صحیح است، لکن ایشان در بعضی موارد دیگر که در مقام پاسخ به شیخ انصاری «رحمة الله علیه» نمی‌باشند نیز حکومت را به معنای اول تفسیر نموده‌اند. برای مثال در ابتدای باب تعارض در تفسیر حکومت می‌فرمایند: «بأن يكون أحدهما قد سبق ناظراً إلى بيان كمية ما أريد من الآخر»^۱، لذا این دفاع محقق اصفهانی «رحمة الله علیه» نیز صحیح نمی‌باشد.

بیان جهت دوم

فرمایش محقق خراسانی «رحمة الله علیه» مبنی بر حاکمیت دلیل اصل عملی بر ادله‌ای که دلالت بر اعتبار اجزاء و شرائط در مأمور به واقعی دارند، در صورتی دلالت بر اجزاء مؤدای اصول از مأمور به واقعی خواهد نمود که این حاکمیت از نوع حاکمیت واقعی باشد، یعنی دلیل اصل عملی، واقعاً در موضوع ادله اشتراط، توسعه ایجاد نماید، در حالی که حاکمیت دلیل اصل عملی نسبت به ادله اشتراط، حاکمیتی صوری و ظاهری است و هیچ توسعه واقعی در موضوع ادله اشتراط، ایجاد نمی‌کند.

توضیح مطلب آن است که حاکمیت یک دلیل نسبت به دلیل محکوم بر دو قسم می‌باشد: حاکمیت واقعی و حاکمیت ظاهری.

قسم اول، در صورتی است که دلیل حاکم و دلیل محکوم، هر دو در عرض یکدیگر، اعتبار داشته باشند و دلیل حاکم در طول دلیل محکوم و مرتب بر عدم آن نباشد، مثلاً مولى از طرفی فرموده «لا صلاة إلا بطهور» و از طرفی دیگر فرموده «الطواف بالبيت صلاة»؛ در چنین فرضی دلیل دوم، حاکم بر دلیل اول بوده و در واقع فرد جدیدی از صلاة را معرفی می‌نماید. به تعبیری دیگر، موضوع دلیل اول یعنی «صلاة» را توسعه داده و آن را در مورد طواف اثبات می‌نماید و در نتیجه همانطور که نماز بدون طهارت باطل است، طواف بدون طهارت نیز باطل خواهد بود.

و اما قسم دوم، در صورتی است که دلیل حاکم در طول دلیل محکوم اعتبار داشته باشد، به گونه‌ای که دلیل حاکم، مأمور به‌ای ظاهری را طلب نموده و مختص به زمانی است که در حکم واقعی و مأمور به واقعی، شک وجود داشته باشد. در نتیجه، دلیل حکم ظاهری در طول دلیل حکم واقعی و در فرض عدم علم به واقع قرار دارد. به تعبیری دیگر، در صورتی می‌توان به سراغ حکم ظاهری رفت که جهل به واقع و مأمور به واقعی وجود داشته باشد. لذا دلیل حکم ظاهری از لحاظ رتبه، متأخر از دلیل حکم واقعی بوده و نمی‌تواند مسلط بر آن شده و در موضوع آن، توسعه یا تضییق ایجاد نماید؛ چون محال است آنچه رتبه‌اش متأخر از شیئی دیگر است، مؤثر در ایجاد آن یا رفع یا توسعه و یا تضییق آن شود.

بنابراین، اگر در اینجا حاکمیتی باشد، حاکمیتی ظاهری و صوری خواهد بود و لذا دلیل مأمور به واقعی و اشتراط، به همان حدود اولی و واقعی خود باقی بوده و دلیل حکم ظاهری، هیچگونه توسعه یا تضییقی در موضوع آن ایجاد نمی‌کند. نهایتاً به خاطر اینکه علم به مأمور به واقعی وجود ندارد، تا زمانی که شک ادامه داشته باشد، بر طبق دلیل حکم ظاهری عمل می‌شود، اما زمانی که شک مرتفع گردد و معلوم

خارج اصول، سال پنجم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شيخ عباسعلي زارعسي سبزواري «دام مره»

شود كه به واقع عمل نشده و واقع چيزی غير از مأمور به ظاهري انجام گرفته، بوده است، بايد مأمور به واقعي در وقت، به صورت اداء و در خارج وقت، به صورت قضاء اتيان گردد^۱.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين»

۱- ايشان در اجود التقريرات، جلد ۱، صفحه ۱۹۸ و ۱۹۹ می فرمايند: «ان الحكومة في المقام و ان كانت مسلمة إلا انها لا تستلزم تعميم الشرط واقعاً فان الحكومة على قسمين: (قسم) يكون الدليل الحاكم في مرتبة الدليل المحكوم و لا يكون الشك في المحكوم مأخوذاً في الدليل الحاكم كقوله عليه السلام لا شك لكثير الشك الحاكم على أدلة الشكوك في الصلاة فلا محالة يكون الدليل الحاكم موجباً لعموم الدليل المحكوم أو مخصصاً له بلسان الحكومة و يسمى هذا القسم حكومة واقعية (و قسم آخر) يكون الشك في المحكوم مأخوذاً في الدليل الحاكم فلا محالة يكون الدليل الحاكم متأخراً عن المحكوم لأخذ الشك فيه موضوعاً في الدليل الحاكم فيستحيل كونه معمماً أو مخصصاً له في الواقع فتكون حكومته ظاهرية لا محالة و يترتب على ذلك جواز ترتيب آثار الواقع ما لم ينكشف الخلاف فإذا انكشف الخلاف ينكشف عدم وجدان العمل لشرطه و يكون مقتضى القاعدة هو عدم الاجزاء كما في الأمارات و إذا انقسمت الحكومة إلى قسمين مختلفين في الأثر فإثبات الاجزاء يتوقف على إثبات كون الحكومة في المقام واقعية مع انها مستحيلة ضرورة انه أخذ الشك في موضوع أدلة الأصول و معه تكون الحكومة ظاهرية و غير مستلزمة للاجزاء قطعاً».

محقق خويي «رحمة الله عليه» نیز در محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۲، صفحه ۲۵۷ می فرمايند: «و اما حديث حكومة تلك القواعد على الأدلة الواقعية كما تقدم ذكره فلا يجدي، و السبب في ذلك هو ان هذه الحكومة حكومة ظاهرية مؤقتة بزمان الجهل بالواقع و الشك فيه و ليست بحكومة واقعية، لكي توجب توسعة الواقع أو تضيقه. و نتيجة هذه الحكومة بطبيعة الحال ترتيب آثار الواقع ما لم ينكشف الخلاف، فإذا انكشف فلا بد من العمل على طبق الواقع ...».